

کردستان
سوریه، بر
سر دو راهی



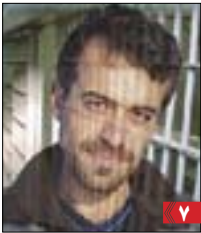
سهم
کردستان از
بودجه ایران



دستاوردهای
... جمهوری
اسلامی



آموزه‌هایی
از آموزگاران
مقاومت



اسلامگرایان
بعد از
مشروطه ...



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۶۲۴، پنجشنبه، ۱۵ اسفند ۱۳۹۲، ۶ مارس ۲۰۱۴، ۵۰۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

سفن

ناهید حسینی

یک قرن ونیم مبارزه

یک و نیم قرن از سرکوب اعتراضات زنان کارگر در یک کارگاه ریسندگی در نیویورک بدلیل زیاد بودن ساعت کاری و کمی دستمزد در ۸ مارس ۱۸۷۵ می‌گذرد و این واقعه بستری شد تا روز ۸ مارس تبدیل به سمبلی جهت زنده نمودن و یادآوری مبارزات و مقاومت‌های زنان جهت نیل به برابری و رهایی از بردگی نژادی در تمام جهان شود. ۸ مارس تبدیل به تاریخی شد که هر سال زنان معترض به وضعیت نابرابر اجتماعی و کاری را گرد هم آورده و مشترک بودن مشکلات، نارسائی‌ها و خواسته‌هایشان، هر سال زنان بیشتری را به خیابان‌ها کشاند. کلارا زتکین در کنفرانس دوم زنان سوسیالیست، ۸ مارس را به‌عنوان روزی جهانی جهت ارج نهادن به مبارزات برابری خواهانه‌ی زنان پیشنهاد نمود و نهایتاً در سال ۱۹۷۷، از سوی سازمان یونسکو ۸ مارس به‌عنوان روز جهانی زن به تصویب رسید.

دفاع زنان از خود در برابر پدرسالاری و جنسیت‌گرایی و تبعیضاتی که از تبعات این گونه تفکرات هستند، از مری آستیل در قرن چهاردهم گرفته تا مری ولستن کرافت در قرن هجدهم و بعدها نیز ده‌ها زن فعال و روشنفکر دیگر، بعد از انقلاب بریتانیا و خصوصاً پس از انقلاب کبیر فرانسه تا امروز و تمامی فعالیت‌ها و تلاش‌ها و قربانی دادن‌ها جهت احقاق حقوقشان در زمینه‌ی برابری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده و می‌بینیم که ساختاری گسترده از جنبشی جهانی به خود گرفته است.

اکنون در عرصه‌ی روشنفکری جهانی، جهت برابری انسان‌ها تلاش می‌شود و متأسفانه در جوامع شرقی، علیرغم تلاش‌ها و فعالیت‌های زنان در تمامی عرصه‌ها، این مفاهیم ارزش واقعی خود را نیافته‌اند و تنها به شیوه‌ای سمبولیک از آنها یاد می‌شود و کارکرد اجتماعی ضعیفی دارند. به گونه‌ای که تعبیر برابری خواهی از مفهومی آزادیخواهانه به مفهومی انحصارطلبانه تغییر می‌یابد و ناکام می‌ماند. دلیل آن نیز ساختار جوامع شرقی می‌باشد. جامعه تأثیر مستقیمی بر بروز هر جنبشی در درون خود دارد و جامعه نیز خارج از روابط میان افراد درون اجتماع نیست و این ارتباط وابسته به بسیاری عوامل از قبیل مذهب، فرهنگ، آداب و سنن و غیره است. با مقایسه‌ای سریع میان جوامع بسته و مدرن و تعریف نمودن وضعیت جوامع شرقی در این قیاس، مشخص خواهد شد که راه دور و درازی تا زدودن تأثیرات منفی جامعه‌ای سنتی و بسته که با قدمتی تاریخی بر ما تحمیل شده‌اند، در پیش رو داریم.

طی مراسمی در شهر نیویورک، از دادستانان پرونده‌ی ترور میکونوس تقدیر و تشکر شد.

به گزارش وبسایت کردستان میدیا، روز سه‌شنبه ششم اسفندماه ۱۳۹۲، طی مراسمی به همت اتحادیه‌ی وکلای آمریکا، در دادگاه فدرال آمریکا واقع در شهر نیویورک، از دادستانان پرونده‌ی میکونوس تقدیر به عمل آمد و تقدیرنامه‌هایی به آنان اهدا گردید.

در این مراسم، سفیر اسبق آمریکا در آلمان، رؤیا حکاکیان، نویسنده‌ی کتاب

"قاتلان قصر فیروزه" و شماری از وکلا و قضات آمریکایی سخنرانی کردند و تلاش دادستانان دادگاه میکونوس را برای اجرای عدالت، ارج نهادند.

سپس دادستانان میکونوس در مورد دشواری‌های مسیر دادگاه سخن گفتند و از اجرای عدالت و صدور رأی قاطع دادگاه که منجر به متوقف ساختن ماشین ترور جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور شد، ابراز رضایت و مسرت نمودند.

در این مراسم، نمایندگانی از کمیته‌های حزب دمکرات کردستان ایران در کشورهای

آمریکا و کانادا حضور داشتند و شریف بهروز، نماینده‌ی حزب دمکرات در آمریکا و کانادا در جریان مراسم با مجریان برنامه و دادستانان دادگاه میکونوس دیدار کرد و ضمن ابراز تشکر و قدردانی حزب دمکرات از این اقدام شایسته، نامه‌ی قدردانی مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران را به همین مناسبت به آنان ابلاغ نمود.

دادگاه رسیدگی به پرونده‌ی ترور دکتر صادق شرفکندی، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران و همراهان ایشان در سال

۱۳۷۲ برگزار گردید و اطلاعاتی دادرسی چهار سال به طول انجامید و در سال ۱۳۷۶ حکم عاملان این فاجعه، "کاظم دارابی" تبعه‌ی ایران و چهار تبعه‌ی لبنانی صادر شد و نقش خامنه‌ای رهبر رژیم ایران، رفسنجانی رئیس‌جمهور رژیم، علی فلاحیان وزیر اطلاعات، علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه‌ی وقت و مقامات بلندپایه‌ی رژیم در این ترور محرز اعلام شد و در دادگاه به اثبات رسید.

متن پیام دبیرکل حزب به این مراسم در صفحه‌ی ۲ این شماره آمده است.



اوکراین

بحرانی که جهان را درگیر ساخت

هزار تن محدود کنند. همچنین به ناظران بین‌المللی اجازه داده شود تا وضعیت حقوق بشر در منطقه را بررسی کنند. آلمان که دارای بزرگترین تبادلات تجاری با روسیه است، می‌تواند در میانجگیری بین اوکراین و روسیه نقش مهمتری ایفا کند. به همین دلیل، قرار است نخست‌وزیر این کشور برای گفتگو به اوکراین و روسیه سفر کند. همچنین به گزارش آسوشیتدپرس، آندرس فوگ راسموسن، دبیر کل ناتو روز سه‌شنبه در بروکسل در پی جلسه‌ای که سفیران ناتو برای بررسی بحران اوکراین تشکیل داده بودند، مداخله‌ی نظامی روسیه در اوکراین را نقض منشور سازمان ملل متحد و تهدیدی برای صلح و امنیت در اروپا نامیده است.

همزمان با افزایش فشار بر روسیه برای پایان دادن به بحران اوکراین، آمریکا با همکاری متحدان اروپایی‌اش، برای پایان دادن به بحران اوکراین طرحی را به ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه ارائه داد.

در این طرح، از روسیه خواسته شده که نیروهایش را از اوکراین خارج کند و در عوض، منافع آن کشور در جزیره‌ی کریمه حفظ شود. همچنین پیشنهاد شده که مردم اوکراین در انتخابات زودرس، رئیس‌جمهور خود را انتخاب کنند.

بر طبق گزارش رویترز، در این طرح، آمریکا و کشورهای اروپایی بویژه آلمان از روسیه می‌خواهند که نیروهای خود را از شبه‌جزیره کریمه فرا خواند و آنها را به ۱۱

اسرائیل

کشتی "سلاح‌های ایرانی" را توقیف کرد

سپس با کشتی برای غزه ارسال شده‌اند. سرگرد پیتر لرنر، به این خبرگزاری گفت: "در یک عملیات پیچیده و مخفی دریایی، در ساعات اولیه‌ی بامداد، نیروی دریایی ارتش اسرائیل این کشتی را که حامل سلاح‌های پیشرفته ایرانی بود، در آب‌های بین‌المللی میان اریتره و سودان توقیف کرد.

لرنر گفت: "ده‌ها موشک زمین به زمین ام ۳۰۲ ساخت سوریه در این کشتی که "کلوس-سی" نام دارد، پیدا شده است." صبح چهارشنبه نیز اسرائیل اعلام کرده بود که دو ستیزه‌جوی حزب‌الله را که قصد داشتند در منطقه‌ی مرزی سوریه و اسرائیل بمب کار بگذارند، از پای درآورده است.

ارتش اسرائیل، روز چهارشنبه ۵ مارس ۲۰۱۴ یک کشتی را که عازم غزه بود و "سلاح‌های پیشرفته" ایرانی حمل می‌کرد، توقیف نمود. به گزارش خبرگزاری فرانسه و به نقل از یک بیانیه‌ی ارتش اسرائیل، این کشتی در بین اریتره و سودان در دریای سرخ توقیف شده است.

در این بیانیه آمده است: "صبح چهارشنبه، ارتش اسرائیل جلوی قاجاقی یک محموله سلاح‌های پیشرفته ایرانی را که قرار بود برای سازمان‌های تروریستی در نوار غزه ارسال شود، گرفت."

خبرگزاری فرانسه نوشت که این سلاح‌ها ساخت سوریه هستند و ابتدا از طریق راه‌های زمینی به ایران حمل شده و

پیام دبیر کل حزب به انجمن وکلای فدرال آمریکا به مناسبت تقدیر از دادستان‌های دادگاه می‌کونوس



دوستان گرامی! اعضای انجمن وکلای فدرال آمریکا!

حزب دمکرات کردستان ایران، مدت ۶۸ سال است که برای نیل به ایرانی دمکراتیک و تحقق حقوق ملی

سیاسی ملت کرد در کردستان ایران مبارزه می‌نماید و در این راه، هزاران فعال سیاسی خود را چه در زمان رژیم پهلوی و چه در زمان رژیم جمهوری اسلامی از دست داده است. دکتر صادق شرف‌کندی، دبیرکل وقت حزب دمکرات و همراهانش که در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در رستوران می‌کونوس در شهر برلین، پایتخت آلمان توسط تروریست‌های رژیم تهران ترور شدند نیز از جمله‌ی این هزاران شهید راه آزادی کردستان هستند.

پس از قریب به ۳ سال تلاش و کوشش پیگیر و مداوم دادستان‌های دادگاه برلین، مجریان این جنایت در دادگاه به سزای اعمال جنایتکارانه‌ی خویش رسیدند و افزون بر این‌ها، این قضات شجاع در مقابل تهدیدها،

تطمیع‌ها و وسوسه‌های هیچ جریانی سر فرود نیاوردند و به شیوه‌ای رسمی و در حکمی تاریخی، این واقعیت را اعلام داشتند که طرح و برنامه‌ی این ترور توسط سر‌دمداران رژیم جمهوری اسلامی و در رأس آن‌ها رهبر رژیم، رئیس‌جمهور و وزیر اطلاعات طراحی شده و دستور اجرای آن صادر گشته است.

نتیجه‌ی تلاش و فعالیت دادگاه و صدور این حکم، عاملی شد تا رژیم جمهوری اسلامی ترورهای زنجیره‌ای خود را علیه آزادیخواهان ایران در کشورهای غربی پایان بخشد و برای حزب دمکرات و ملت کرد در کردستان ایران نیز جای بسی خرسندی و شغف بود، به‌ویژه به دلیل اینکه ۳ سال پیش از ترور برلین، دیگر دبیرکل حزب دمکرات

کردستان ایران، دکتر عبدالرحمن قاسملو نیز توسط همین حکومت و در تاریخ ۱۳ جولای ۱۹۸۹ بر سر میز مذاکره با نمایندگان و فرستادگان رژیم تهران، در شهر وین پایتخت اتریش ترور گردید و متأسفانه دستگاه قضایی اتریش، تروریست‌هایی را که دستگیر شده بودند و در اختیار داشت، نه تنها مجازات ننمود، بلکه آن‌ها را روانه‌ی تهران نمود و از سوی زمامداران جمهوری اسلامی مورد استقبال قرار گرفتند و به آن‌ها پاداش داده شد.

اکنون که با تصمیم بجا و شایسته‌ی شما، دادستان‌های وقت برلین به خاطر ایفای رسالت حرفه‌ای خویش در کار قضاوت، مورد تقدیر و پاداش قرار می‌گیرند، ما بسی خرسند و خشنود هستیم، لذا به همین مناسبت از

طرف خود و حزب دمکرات کردستان ایران و می‌توانم از جانب ملت کرد در کردستان ایران نیز اهدای پاداش به این دادستان‌های بزرگوار و تقدیر از آنان را که به حق، شایسته‌ی پاداش و تقدیر هستند، تبریک و تهنیت عرض کنم. همچنین تبریک و شادباش خویش را به شما مجریان و ایفاکنندگان این رسالت، یعنی اهدای پاداش و تقدیر از دادستان‌های شجاع دادگاه معروف به می‌کونوس، به مناسبت این ابتکار شایسته‌ی جدید ابراز نموده و مراتب سپاس و قدرشناسی خویش را به استحضار می‌رسانم.

حزب دمکرات کردستان ایران
دبیرکل
مصطفی هجری
۲۰۱۴/۲/۲۵

دیدار هیأت حزب دمکرات با حزب زحمتکشان کردستان



کردستان تأکید کردند. در پایان این دیدار، هیأت‌های حزب دمکرات کردستان ایران و حزب زحمتکشان کردستان بر ادامه‌ی روابط دوستانه فی‌مابین تأکید نمودند.

در بخشی دیگر از این دیدار، طرفین در رابطه با مسائل مربوط به کردستان سوریه، مواضع خود را بیان کرده و بر تسهیل زمینه‌ی مشارکت دیگر جریان‌ات و احزاب سیاسی این بخش کردستان از سوی "پ.ی.د" در مدیریت این بخش از

هیأت‌های حزب دمکرات کردستان ایران و حزب زحمتکشان کردستان در اربیل دیدار کردند.

به گزارش کوردستان میدیا، روز یکشنبه یازدهم اسفندماه ۱۳۹۲، هیأت حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی مصطفی هجری، دبیرکل حزب در اربیل با هیأت حزب زحمتکشان کردستان دیدار کرده و از سوی هیأتی به سرپرستی "بلین عبدالله و بهمن حسین" از اعضای هیأت رئیسه‌ی این حزب مورد استقبال قرار گرفتند.

دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، پیام تبریک حزب دمکرات را به مناسبت پایان موفقیت‌آمیز کنگره‌ی حزب زحمتکشان کردستان به هیأت این حزب ابلاغ نمود.

دیدار هیأت نمایندگی حزب دمکرات از نمایندگی حکومت اقلیم کردستان در سوئد



نظر قرار گرفتند. در این دیدار، دو طرف بر ادامه‌ی روابط دوجانبه تأکید کردند.

بخش‌های دیگر کردستان از جمله مسائلی بودند که در این دیدار مورد بحث و تبادل

هیأت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در سوئد با هیأت نمایندگی حکومت اقلیم کردستان در این کشور دیدار کرد. به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، روز پنج‌شنبه ۸ اسفند، هیأت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در کشور سوئد به سرپرستی "حمید تیموری" نماینده‌ی حزب در آن کشور، از نمایندگی حکومت اقلیم کردستان دیدار کرده و از سوی هیأت حکومت اقلیم کردستان به سرپرستی "شورش قادر" مورد استقبال قرار گرفت. شرایط کنونی کردستان و مشکلات پیش‌روی حکومت اقلیم کردستان و همچنین وضعیت کلی

دیدار هیأت حزب دمکرات با حزب شیوعی کردستان



به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، روز یکشنبه یازدهم اسفندماه سال ۱۳۹۲، هیأت حزب دمکرات

هیأت‌های حزب دمکرات کردستان ایران و حزب شیوعی کردستان در شهر اربیل با هم دیدار نمودند.

دیدار هیأت شورای ملی کردهای سوریه از دفتر

سیاسی حزب دمکرات



با هیأت شورای ملی کردهای سوریه، مطالبی درباره‌ی وضعیت کنونی سوریه و مسأله‌ی ملت کرد در این بخش از کردستان و ضرورت تعامل جریان‌ات و جناح‌ها و هم‌صدایی آن‌ها ارائه نمود و عواقب هژمونی یک جریان بر جریان‌ات دیگر و تحمیل نظر و فرادستی یک جناح بر نیروهای دیگر و تلاش برای به حاشیه راندن دیگران را به زبان ملت کرد قلمداد کرد و تلاش مضاعف برای بهبود وضعیت را خواستار شد.

آقای هجری، همچنین ضمن اعلام حمایت حزب دمکرات از خواسته‌های مشروع جامعه‌ی کرد در سوریه و پشتیبانی حزب از نیروها و جریان‌ات ملی کردستان سوریه، به مصوبات پلینوم ششم کمیته‌ی مرکزی در رابطه با کردستان سوریه اشاره نموده و مطالبی در این رابطه عنوان نمود. نمایندگان یازده حزب کردستان سوریه که هیأت شورای ملی کردهای سوریه را تشکیل می‌دادند، عبارت بودند از:

نمایندگان یازده حزب کردستان سوریه در قالب هیأتی، از مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کردند.

به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، هیأتی از شورای ملی کردهای سوریه، متشکل از دبیرکل، جانشینان دبیرکل و سخنگویان یازده حزب کردستان سوریه، بعد از ظهر روز دوشنبه ۵ اسفندماه از مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کرده و از سوی هیأتی به سرپرستی "مصطفی هجری"، دبیرکل حزب مورد استقبال قرار گرفت.

در این ملاقات، "طاهر سفوک"، رئیس موقت شورای ملی کرد سوریه، در رابطه با اهداف این دیدار گفت: تبادل نظر و اطلاع از خوانش و موضع حزب دمکرات کردستان ایران در مورد وضعیت کنونی کردستان سوریه، مشارکت در کنگره‌ی ژنو ۲، کانون‌های کردستان سوریه و مناسبات و چالش‌های پیش‌روی احزاب و جریان‌ات از اهداف اصلی این دیدار می‌باشند.

در جریان این دیدار، فوزی عزیز گزارشی را در مورد وضعیت کنونی کردهای سوریه ارائه داد و درباره‌ی تاریخچه‌ی مبارزات حزب دمکرات و جایگاه این حزب در جنبش آزادیخواهانه‌ی ملت کرد و افتخارات این حزب سخنانی ایراد کرد و انتظارات خود را از سیاست‌های واقع‌بینانه‌ی حزب دمکرات برای ایفای نقش ضروری خود در ایجاد روابطی نزدیک و دوستانه میان احزاب و نیروهای سیاسی کرد اعلام کرد و خواهان حمایت حزب دمکرات از مطالبات مشروع آنان برای حل مشکلات پیش‌روی کردهای سوریه شد.

سپس "ابراهیم برو" و "عبدالحکیم بشار" به عنوان دو عضو حاضر در کنگره‌ی ژنو ۲، در رابطه با حضورشان در آن کنگره و نقشی که در آن ایفا نموده‌اند و همچنین مسائل و مشکلات پیش‌روی این کنگره در پیشبرد امور مربوطه سخنانی ایراد کردند.

در بخش دیگری از این نشست، مصطفی هجری ضمن ابراز خرسندی از ملاقات

- ۱_ عبدالحکیم بشار، حزب دمکرات کرد سوریه (الپارتی)
- ۲_ نسرین ابراهیم، حزب دمکرات کرد سوریه (الپارتی)
- ۳_ ابراهیم برو، حزب اتحادیه کرد سوریه
- ۴_ مصطفی جمعه، حزب آزادی کرد سوریه
- ۵_ مصطفی آسو، حزب آزادی کرد سوریه
- ۶_ مصطفی مشایخ، حزب اتحادیه دمکرات کرد سوریه (یکیتی)
- ۷_ نعمت داوود، حزب برابری کرد سوریه
- ۸_ طاهر سفوک، حزب ملی دمکرات کرد سوریه
- ۹_ فیصل یوسف، جنبش اصلاحات
- ۱۰_ عبدالباسط حمو، حزب اتحادیه کردستان سوریه
- ۱۱_ فوزی عزیز، حزب وفاق کرد سوریه

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران

دیدار هیأت KCK از دفتر روابط حزب در اربیل



در دیدار میان هیأت‌های حزب دمکرات و KCK وضعیت کنونی کردستان سوریه، محور اصلی گفتگوها بود.

به گزارش وبسایت کوردستان‌میدیا، روز یکشنبه چهارم اسفندماه ۱۳۹۲، هیأت KCK به سرپرستی "فرحان عمرا" از دفتر روابط حزب دمکرات کردستان ایران در اربیل دیدار نموده و از سوی هیأتی به سرپرستی "محمد صالح قادری"، مسئول دفتر و عضو کمیته‌ی مرکزی حزب مورد استقبال قرار گرفتند. وضعیت کنونی کردستان سوریه و مشکلات پیش‌روی ملت کرد در این بخش از کردستان و ضرورت پشتیبانی

نماینده حزب دمکرات در آلمان

از بنیاد فردریش ایبرتی در برلین دیدار کرد

نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران با مسئول بخش خاورمیانه‌ی بنیاد فردریش ایبرتی دیدار کرد.

به گزارش وبسایت کوردستان‌میدیا، "هیوا بهرامی"، نماینده حزب دمکرات کردستان ایران در آلمان، روز چهارشنبه ۳۰ بهمن‌ماه، از بنیاد فردریش ایبرتی دیدار کرده و با "رافائل هکسل" مسئول بخش خاورمیانه‌ی این بنیاد، به بحث و تبادل نظر پرداخت.

وضعیت کنونی ملت کرد در کردستان ایران، روی کار آمدن روحانی و تکرار سناریوی دوران خاتمی، خوش‌بینی و مسرت برخی از کشورهای اروپایی از این گشایش‌های حداقلی و تغییرات نمادین

دیدار نماینده‌ی حزب دمکرات از دفتر سیاسی

حزب سوسیال دمکرات آلمان

نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در آلمان با مسئولین حزب سوسیال دمکرات این کشور دیدار کرد. به گزارش وبسایت کوردستان‌میدیا، "هیوا بهرامی" نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در کشور آلمان روز سه‌شنبه ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۹۲، از دفتر سیاسی حزب سوسیال دمکرات آلمان دیدار کرده و با "کنستانتن"، مسئول روابط بین‌الملل این حزب دیدار کرد.

دیدار نماینده‌ی حزب دمکرات با معاون رئیس

پارلمان آلمان

نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در آلمان با معاون رئیس پارلمان این کشور دیدار کرد. به گزارش وبسایت کوردستان‌میدیا، روز سه‌شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۲، "هیوا بهرامی"، معاون رئیس پارلمان این کشور دیدار و گفتگو کرد. وضعیت کنونی کردستان ایران و شرایط فعلی سیاسی این بخش از کردستان توسط نماینده‌ی حزب دمکرات مورد بحث قرار گرفت. کلاودیا روت، ضمن ابراز خرسندی از دیدار با نماینده‌ی

نماینده‌ی حزب دمکرات از پارلمان آلمان دیدار کرد



نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در آلمان، از پارلمان این کشور دیدار کرده و با مشاورین سیاست خارجی به گفتگو پرداخت.

به گزارش وبسایت کوردستان‌میدیا، هیوا بهرامی، نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در آلمان، روز پنج‌شنبه یکم اسفندماه، به پارلمان آلمان رفته و با دو مشاور کمیسیون سیاست خارجی این کشور دیدار کرد.

در این ملاقات که هر دو مشاور سیاست امور خارجه‌ی آلمان، "ولفگانگ ایرهارت و ماتیاس مارتین" حضور داشتند، مسائل

مربوط به ایران و کردستان از جمله وضعیت بین‌المللی و داخلی ایران در حال حاضر، مسأله‌ی ملت کرد، شرایط کردستان ایران

دیدار هیأت حزب دمکرات و کومله - سازمان کردستانی حزب کمونیست



در این دیدار، مسائل و موضوعات مرتبط با ایران و تغییر و تحولات ایجاد شده، مسائل مربوط به کردستان ایران و کشورهای منطقه از جمله عراق و سوریه و به خصوص وضعیت ملت کرد در بخش‌های چهارگانه‌ی کردستان و تحولات جاری منطقه، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفتند.

دو طرف در این نشست، خوانشی مشابه از سیاست‌های رژیم ایران داشته و در رابطه با تأثیرات تحریم‌های غرب علیه رژیم و فروپاشی تدریجی سیستم اقتصادی ایران و اینکه رژیم برای بقای حاکمیت خود، به عقب نشینی از سیاست‌های پیشین خود روی آورده و به مذاکره با غرب تن داده و تاکنون شرایط تعیین شده از سوی قدرت‌های جهانی را پذیرفته است، متفق و هم‌رأی بودند.

حزب، روز یکشنبه چهارم اسفندماه، با هیأت حزب کومله - سازمان کردستانی حزب کمونیست ایران دیدار کرده و از جانب هیأتی از این حزب به سرپرستی "سید ابراهیم علی‌زاده" مورد استقبال قرار گرفتند.

هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران با هیأتی از کومله - سازمان کردستانی حزب کمونیست ایران دیدار کرد. به گزارش وبسایت کوردستان‌میدیا، هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی "مصطفی هجری" دبیرکل

دیدار هیأت حزب دمکرات و حزب زحمتکشان کردستان



هیأت نمایندگی حزب زحمتکشان کردستان، از دفتر روابط حزب دمکرات کردستان ایران در اربیل دیدار کرد. به گزارش وبسایت کوردستان‌میدیا، روز ۳ اسفندماه ۱۳۹۲، هیأت روابط حزب زحمتکشان کردستان به سرپرستی "هیوا سعید سلیم" عضو هیأت رئیسه‌ی حزب زحمتکشان کردستان، از دفتر روابط حزب دمکرات کردستان ایران در شهر اربیل دیدار کرده و از سوی هیأتی به سرپرستی "محمد صالح قادری"، مسئول دفتر و عضو کمیته مرکزی مورد استقبال قرار گرفتند. در جریان این دیدار، هیأت حزب زحمتکشان کردستان، مسئول جدید هیأت روابط خود را به هیأت روابط حزب دمکرات معرفی نمود و راجع

به آخرین کنگره‌ی این حزب به بحث و گفتگو با هیأت حزب دمکرات پرداخت. در این نشست، محمد صالح قادری، مسئول روابط حزب دمکرات کردستان ایران در شهر اربیل، برگزاری موفقیت‌آمیز

کنگره‌ی این حزب را تبریک گفت و در مورد مواضع مطرح شده در آخرین پلنیوم حزب دمکرات مطالبی را بیان نمود. در این دیدار، دو طرف بر ادامه‌ی روابط متقابل تأکید کردند.

نشست نماینده‌ی حزب دمکرات با مقامات حزب دمکرات مسیحی آلمان



نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در آلمان با مسئول روابط بین‌الملل حزب دمکرات مسیحی دیدار کرد.

به گزارش وبسایت کوردستان‌میدیا، هیوا بهرامی، نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در آلمان، روز چهارشنبه ۳۰ بهمن‌ماه، از دفتر سیاسی حزب دمکرات مسیحی این کشور دیدار کرده و با "برتیل ونگر" مسئول امور بین‌الملل این حزب گفتگو کرد.

در این دیدار، ونگر ضمن بررسی مسائل مرتبط با ایران، بر این مسأله تأکید کرد که نباید انتظار زیادی از توافقنامه‌ی میان رژیم ایران و قدرت‌های جهانی داشت و این واقعیت را باید در نظر داشت که تنها در هنگامی می‌توان این توافقات را موفقیت‌آمیز خواند که بر اساس آن، هیچ راهی برای دسترسی ایران به سلاح اتمی وجود نداشته باشد. در این دیدار، هیوا بهرامی گفت: وضعیت داخلی ایران بدون هیچگونه تغییری همچنان

مثل گذشته است و شعارهای انتخاباتی رئیس‌جمهور این کشور بدون هیچ‌گونه اقدام عملی و محسوسی، در حد شعار باقی مانده است.

وی افزود: ما به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران هیچ اطمینانی به شعارهای مطرح‌شده در فضای عمومی و در کارزار انتخاباتی نداشته و هم‌اکنون نیز معتقدیم

که هیچ‌گونه تغییر و تحولی به معنای واقعی خود، در چهارچوب رژیم جمهوری اسلامی به وجود نخواهد آمد. در بخش دیگری از این نشست، چندین موضوع دیگر از جمله شرایط سیاسی - اقتصادی کردستان ایران و وضعیت حقوق بشر در ایران، مورد بحث و گفتگو قرار گرفتند.

جمهوری اسلامی و بازی با کارت تکفیری‌ها

روژمان

ترجمه: کوردستان

حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله‌ی سازمان جهادی القاعده به مراکز و مؤسسات آمریکا در داخل خاک این کشور را می‌توان به عنوان سرآغاز برهه‌ی نوینی از معادلات بین‌المللی و حتی تغییر در بسیاری از تعبیر و موضوعات تلقی نمود، هر چند که بازی با کارت اسلام سیاسی و بنیادگرایی اسلامی پدیده و موضوع تازه‌ای نیست و حتی جمهوری اسلامی نیز خود یکی از پیامدهای این بازی است و در چهارچوب پارادایم جنگ سرد و تز کمربند سبز غرب به دور اتحاد شوروی سابق ظهور نمود. طی سه دهه‌ی اخیر، بسیاری از کشورها در سطح جهان و منطقه‌ی خاورمیانه، از گروه‌های جهادی و تکفیری در راستای منافع خویش و تغییر معادلات استفاده نموده‌اند. به عنوان مثال پاکستان، عربستان و ...، اما نکته‌ی جالب توجه در

اینجا، مشارکت جمهوری اسلامی ایران در این بازی است. پس از رویداد ۱۱ سپتامبر که جمهوری اسلامی، دگرگونی در معادلات منطقه و پیامدهای این مسأله را احساس نمود، روابط رژیم ایران و القاعده و زیرشاخه‌های تکفیری این سازمان متحول شد و در حقیقت، هر دو طرف علیرغم وجود اختلافات ایدئولوژیک عمیق، به دلیل احساس خطر و وجود منافع مشترک، ائتلافی میان خود به وجود آوردند. جمهوری اسلامی از این ائتلاف، مقاصد گوناگونی را تعقیب می‌کند و می‌کوشد که پتانسیل جهادی تکفیری سنی را از فاز تهدید تبدیل به فرصتی برای منافع حاکمیت شیعی خویش نماید. برخی از این اهداف و مقاصد عبارتند از:

– به کار گرفتن القاعده و زیرشاخه‌های آن در جریان جنگ غیر مستقیم با غرب و ضربه زدن به منافع غرب.

– نفوذ در قواره‌ی تشکیلاتی این جریانات و کنترل و هدایت آنان در چهارچوب توطئه‌های جمهوری اسلامی.

– تبادل اطلاعات با جبهه‌ی ضد ترور

و حتی معامله بر سر مهره‌های القاعده در مواقع ضروری و مشارکت ظاهری و ریاکارانه در نبرد علیه تروریسم.

– استفاده از گروه‌های تندرو و جهادی به عنوان یک اهرم فشار در برابر غرب به منظور اخذ امتیاز از غرب در رابطه با مسأله‌ی دستیابی به سلاح هسته‌ای.

– شکست پروژه‌ی خاورمیانه‌ی بزرگ و شمال آفریقا که از سوی دولت وقت آمریکا به عنوان نقشه‌ی تغییرات اعلام شده بود.

بنابراین مشاهده نمودیم که پس از جنگ افغانستان و عراق آشکار شد که جمهوری اسلامی چگونه از القاعده و هم‌پیمانانش در جهت منافع خویش استفاده کرده است. مرحله‌ی جدید این بازی جمهوری اسلامی از طریق گروه‌های تروریستی و پس از تغییر و تحولات منطقه‌ی خاورمیانه موسوم به بهار عربی آغاز می‌شود و به ویژه در جنگ داخلی سوریه و تلاش مردم این کشور برای سرنگونی رژیم بشار اسد به اوج خود می‌رسد. حکومت اسلامی ایران، اینبار با استفاده از پتانسیل و توانایی گروه‌های جهادی وابسته و تحت کنترل خویش در

جنگ داخلی سوریه، تغییر و تحولات را در جهت صیانت از رژیم بشار اسد و منافع خویش هدایت نموده و با تمام توان خویش در جنگ داخلی سوریه مداخله می‌نماید.

در حقیقت، جمهوری اسلامی توانست یکبار دیگر، این گروه‌ها را در چهارچوب جمعی از توطئه‌های خویش به کار بگیرد که این توطئه‌ها عبارت بودند از:

– تغییر سیمای جنبش سکولار-دمکراتیک مردم و اپوزیسیون سوریه به سیمایی بنیادگرایی اسلامی و تروریستی که منافع غرب و کشورهای منطقه را تهدید می‌نماید.

– وارد نمودن این گروه‌ها به جنگ با دیگر جریانات اپوزیسیون رژیم بشار اسد و گشودن چندین جبهه‌ی نبرد در جهت منافع رژیم سوریه.

– منحرف ساختن افکار عمومی جهان در رابطه با تغییر و تحولات و اینکه الترناتیو جایگزین رژیم سوریه، بنیادگرایی اسلامی سنی خواهد بود و هر گونه تغییری، رشد و توسعه و تقویت قوای گروه‌های تروریستی را به دنبال خواهد داشت.

اتحاد دمکراتیک (PYD) برای مدیریت اوضاع در این بخش از کردستان گام جدیدی برداشت.

حزب اتحاد دمکراتیک در این مدت با ایجاد تشکیلاتی منسجم بر مبنای میراث پ‌ک‌ک و با حمایت و هدایت آن، عملاً طی کمتر از یک دهه تبدیل به جریان قدرتمندی گردید که به دنبال عقب نشینی ارتش بعث از کردستان توانست خلأ قدرت موجود را پر نماید.

نکته‌ی انحرافی ماجرا آنجاست که بر خلاف تصور عمومی، در این جابجایی انقلابی رخ نداد، بلکه ارتش اسد با سپردن کردستان به «PYD» تمرکز قوای خود را متوجه نبرد با مخالفان در حوالی دمشق و شهرهای بزرگ نمود و «PYD» نیز در مقابل، ژست یک ارتش راهب‌ی بخش ملی را در میان کردها به خود گرفت، در حالی که ادارات دولتی همچنان در قبضه‌ی حکومت مرکزی بوده و نمادهای سلطه‌ی بعث از جمله مجسمه‌ها و تصاویر دو دیکتاتور پسر و پدر همچنان در میادین و اماکن عمومی خوندمایی می‌کند.

بازدیدهای گاه و بیگاه مقامات ارشد و وزرای رژیم اسد از مناطق تحت کنترل «PYD»، ممنوعیت حضور اعضا و فعالان احزاب ملی‌گرای کرد در خاک کردستان از سوی «PYD»، بستن دفاتر این احزاب و تهدیدات گوناگون علیه رهبران و اعضای آنان، از جمله تمهیدات «PYD» و از نشانه‌های ضرورت نگرانی و تردید نسبت به اهداف این حزب در قبال مسأله‌ی ملی کرد در سوریه است.

در تابستان گذشته در جریان تظاهرات گروهی از کردهای معترض به رژیم اسد در شهر عامودا، نیروهای «PYD» ده‌ها تن از آنان را به خاک و خون کشیده یا زخمی و بازداشت نمودند. روی دیگر سکه‌ی این تراژدی آنجاست که در چند روز گذشته صدها نفر از اعضای حزب بعث در شهر قامیشلو به خیابان‌ها ریخته و فریاد حمایت از بشار اسد سر دادند و عبرت‌انگیز است که نیروهای «PYD» خدشه‌ای به امنیت این تظاهرات وارد ننموده و متعزز آنان نگردیدند.

در چنین شرایطی، اعلام تأسیس کانون‌های خودگردان در بخش‌هایی از کردستان توسط «PYD»، اقدام ابتدایی مثبتی است که متأسفانه صیغه‌ی دمکراتیک و ملی آن به شدت رنگ باخته و تداوم چنین وضعیتی آنرا از محتوایی اصیل و حقیقی کاملاً تهی خواهد نمود. نکته‌ی دیگری که بر نگرانی‌ها در رابطه با این وضعیت می‌افزاید، این است

کوردستان

در همین ارتباط، حتی جمهوری اسلامی در صدد این بود که ملت کرد در کردستان سوریه را نیز وارد این جنگ داخلی نماید و با طرح‌ریزی سناریوی کشتار دسته‌جمعی و تحریک احساسات مردم کرد، جبهه‌ی جنگ دیگری در جهت منافع رژیم بشار اسد ایجاد نماید و در این میان نیز فرصت ملت کرد برای رسیدن به حقوقش را سلب نماید. اما خوشبختانه با دقت و احساس مسئولیت احزاب و گروه‌های کردی از تمام بخش‌های چهارگانه‌ی کردستان و تشکیل هیأت تحقیق و بررسی ویژه از سوی هیأت برگزارکننده‌ی کنگره‌ی ملی کرد، این توطئه نیز با شکست روبرو شد.

در حال حاضر، جمهوری اسلامی با استفاده از گروه داعش در مناطق سنی‌نشین عراق و اقلیم کردستان عراق برای متشنج کردن اوضاع و گرفتن ماهی از آب گل‌آلود، در تلاش بسیار جدی است و مستقیماً دستگاه‌های امنیتی رژیم و به‌ویژه نیروی قدس سپاه پاسداران در این رابطه فعالیت می‌کنند.

اما این بازی تنها به خارج از ایران خلاصه نمی‌شود و جمهوری اسلامی سعی بر آن دارد که با استفاده از القاعده، گروه‌های تندرو اسلامی را در جهت نیل به اهداف و اجرای سناریوی خویش در داخل کشور و به‌ویژه در کردستان و بلوچستان بکار گیرد.

که نه در سیاست‌های رژیم بشار اسد، نه در سخنان مخالفان گوناگون این رژیم و نه حتی در اظهارات رهبران «PYD»، سخنی از ماندگاری و تداوم همین کانون‌ها و احتمال تثبیت و ارتقای آنها در آینده‌ی سیاسی منطقه به میان نمی‌آید.

به عنوان مثال، سرهنگ "عبدالجبار العکیدی"، فرمانده‌ی شورای نظامی ارتش آزاد سوریه در حلب، اخیراً با اشاره به همدستی «PYD» با دولت سوریه، سوگند یاد نمود که آن را متلاشی نماید. این موضع مخالفان سکولار رژیم اسد است، اسلام‌گرایان نیز از تکلیفشان با هر گونه کیان سیاسی غیر اسلامی روشن است. قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و حتی حکومت اقلیم کردستان نیز تاکنون روی خوشی به این وضعیت نشان نداده‌اند، رژیم سوریه نیز که در صورت سلطه‌ی مجدد بر اوضاع، بعید به نظر می‌رسد که بخواهد بعد از کشتار خونینی که علیه هم‌زادان خود به راه انداخت، مجوز یک حکومت محلی کردی را در مناطق شمالی خود (ولو تحت سلطه‌ی «PYD») بپذیرد، اما شاید مهم‌تر از همه‌ی اینها، عدم اعتقاد رهبران «PYD» به حقوق ملت کرد، هویت ملی کردها و شکل‌گیری ساختاری تحت عنوان کردستان خودمختار یا هر عنوان دیگری است که حق تعیین سرنوشت کردها در سوریه را به رخ بکشد.

"صالح مسلم محمد" رئیس این حزب، اخیراً به مخالفان رژیم اسد و به دولت ترکیه اطمینان داد که خودگردانی دوفاکتوی موجود در برخی از مناطق تحت کنترل حزب وی موقتی بوده و فقط تا هنگام رسیدن شورشیان به اهدافشان ادامه خواهد داشت.

با در نظر گرفتن تمامی جوانب قضیه، ضمن استقبال از غیبت ارتش سرکوبگر اسد در کردستان سوریه و تقدیر از فرزندان مبارز ملت کرد در این بخش از کردستان که با رشادات خود تاکنون مانع از سلطه‌ی اسلام‌گرایان افراطی بر این منطقه شده‌اند، بایستی نگران تکرار تاریخ تراژیک ملت کرد بود. کردستان سوریه از گذرگاه یک انقلاب عبور ننموده، لیکن آبستن یک انقلاب است که به ثمر نشاندن آن مستلزم هوشیاری تمامی صاحبان اصلی حق تعیین سرنوشت در این بخش از جغرافیای تفتیده به خون و آتش کردستان است.

کردستان سوریه، بر سر دو راهی

سلام اسماعیل پور

تحولات سوریه همچنان در مسیر بی‌بازگشت بحران و بی‌ثباتی به پیش رفته و اوضاع در این کشور استعمارساخته‌ی خاورمیانه روز به روز پیچیده‌تر می‌شود. در این میان، اوضاع در شهرها و مناطق کردستان سوریه نیز از پیچیدگی‌های سیاست داخلی، منطقه‌ای و جهانی در ارتباط با وضعیت کلی سوریه مستثنی نبوده و از همان بدو عقب‌نشینی یگان‌های ارتش بعث در کردستان و جایگزینی آن‌ها با نیروهای حزب اتحاد دمکراتیک (PYD) تا شکل‌گیری کانون‌های خودگردان محلی در این مناطق، سیر تحولات در این منطقه‌ی حساس بر تضاد منافع و کشمکش‌های سیاسی میان بازیگران آن افزوده است.

کردها بدون تردید، بزرگترین قربانیان سیاست‌های ویرانگر بعثیزم سوری، از بدو استقلال و تشکیل این کشور بوده‌اند. انکار هویت، سرکوب و محرومیت آنان از بدیهی‌ترین حقوق انسانی و شهروندی، حتی در قیاس با سایر بخش‌های کردستان نیز بیانگر وضعیتی دهشتناک‌تر بوده و همین امر زمینه‌ساز یکی از بزرگترین سوءاستفاده‌ها علیه ملت کرد در این بخش از کردستان گردیده است. سوءاستفاده‌ای که در مراحل بعدی، منجر به سوءتفاهم جدی در مسیر مسأله‌ی بر حق ملت کرد گردید.

در این راستا، نقش حزب کارگران کردستان (pkk) بیش از هر عامل دیگری در این بخش از کردستان محل بحث بوده و به دلیل نقشی که این حزب و شاخه‌ی کردستان سوریه‌ی آن در تحولات مزبور ایفا نموده‌اند، ناگزیر بایستی نگاهی هرچند گذرا و کوتاه به گذشته و حال سیاست‌ها و مواضع آن در این زمینه انداخت.

انکار نمی‌توان کرد که «پ‌ک‌ک» نقشی اساسی در خیزش ملت کرد در کردستان ترکیه ایفا نموده و علیرغم برخی انتقادات نسبت به عملکرد آن، در کل می‌توان از نقش این حزب در سازماندهی مبارزات این بخش از کردستان به نیکی یاد کرد. لیکن نزدیکی استراتژیک و سنخیت نسبی ایدئولوژی سازمانی آنان با برخی

سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای و جهانی رژیم‌های کردستیز منطقه، به ویژه ایران و سوریه، مداخلات منفی این سازمان در سایر بخش‌های کردستان را بدنبال داشته و متأسفانه آن را به تعامل غیر سازنده و ارتباطات غیر دوستانه با بخش عظیمی از جنبش ملی کرد کشانده است.

ازجمله این سیاست‌های ناصواب می‌توان به خوانش ایدئولوژیک نادرست از گذشته، حال، ارزش‌ها، سرمایه‌ها و نقاط ضعف و قوت نیروهای دخیل در مبارزات این بخش‌ها و نحوه‌ی تعامل آنان با جهان پیرامون و رژیم‌های سرکوبگر مرکزی، پیچیدن نسخه‌ی به اصطلاح شفافبخش برای علاج این مشکلات از طریق تاختن غیر منصفانه به دار و ندار سیاسی ملت کرد، زیر سؤال بردن نقش مبارزاتی سایر احزاب دخیل در جنبش و بالاخره تأسیس زیرشاخه‌هایی برای سیطره یافتن بر سایر بخش‌های کردستان و نفی اصالت پلورالیستی جامعه‌ی کردستان از طریق تلاش در راه ایجاد سیستمی تک حزبی با محوریت کاریزماتیک یک فرد خدایگان‌گونه یاد نمود که اصالت و انقلابی بودن هر فرد، جریان یا تفکری را در خارج از کانون آرمانی pkk با خشونت کلامی و عملی به شدت نفی می‌نماید.

«pkk» از بدو حضور خود در دره‌ی بقاع لبنان به عنوان حیاط خلوت مجور "ایران - سوریه - حزب‌الله" عملاً در شعارها و سیاست‌های خویش منکر وجود



روزنامه

سیاست خارجی آمریکا در اوکراین

ترجمه: رضا فتح‌الله‌نژاد
ترجمه به فارسی: شورش زندی

ویسایت (نیویورک تایمز) مقاله‌ای به قلم دیوید ج. کرامر تحت عنوان "سیاست خارجی آمریکا به دلیل اقدام روسیه در اوکراین دچار مشکل می‌شود"، در رابطه با رویدادهای اخیر اوکراین منتشر نموده است.

کرامر دبیر خانه‌ی آزادی و مدیر پیشین معاون وزارت خارجه در امور روسیه اوکراین در مؤسسه‌ی جرج دبلیو بوش است. در ابتدای مقاله آمده است: "پرزیدنت اوباما با بزرگترین مشکل دوران ریاستش روبروست که عبارت است از چگونگی پاسخ دادن به تجاوز روسیه به اوکراین. چگونگی پاسخگویی وی معرف هر دو دوره‌ی ریاستش و همچنین تعیین‌کننده‌ی آینده‌ی اوکراین، روسیه و آمریکا در جهان است. به طور کلی اگر ولادیمیر پوتین خودسر اجازه یابد که حمله‌ی تحریک‌آمیزش علیه کشور همسایه را که نقض آشکار حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور خواهد بود، با موفقیت انجام دهد، آنگاه اعتبار آمریکا که هم‌اینک به علت موضعگیری ضعیف اوباما در رابطه با سوریه آسیب دیده است، به زیر صفر خواهد رسید، هم‌پیمانان دیگر به ما اعتماد نخواهند کرد، دشمنان از ما نخواهند ترسید و جهان تبدیل به جای خطرناکی خواهد شد. نویسنده در بخش دیگری از مقاله‌اش پیشنهادهاتی به اوباما نموده و می‌نویسد، "کارهایی هست که اوباما بایستی بلافاصله آنها را انجام دهد، برخی را با همکاری متحدین اروپایی و متحدینمان در ناتو و بعضی دیگر را خود باید انجام دهیم." از جمله:

- برقراری تحریم علیه بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی روسیه.
- توسعه‌ی درخواست حقوقی مصوب سال ۲۰۱۲ سرگی ماگنی츱سکی علیه برخی از مقامات کرملین، از جمله پوتین.
- پایان دادن به تمامی گفتگوها با روسیه در رابطه با هرگونه موافقتنامه‌ی تجاری احتمالی یا بازار مشوقی میان آنان.

- اعزام ناوهای جنگی آمریکا به دریای سیاه به منظور آمادگی در قبال هر رویداد غیرمنتظره‌ای.
- فشار بر شورای امنیت سازمان ملل برای تصویب مصوبه‌ای در محکومیت تجاوز روسیه به کشور همسایه‌اش، حتی با علم به این که روسیه علناً آن را وتو خواهد نمود.

- الحاق به یک گروه ۸ جانبه‌ی دیگر در اخراج روسیه و لغو برنامه‌ی اوباما برای سفر به سوچی، یعنی همان جایی که پوتین در آن میزبان نشست «G۸» در ماه ژوئن خواهد بود.

نگارنده در خاتمه‌ی مقاله می‌نویسد؛ "ما دست‌کم می‌توانیم دیگر شنونده‌ی این سخنان دولت اوباما و تحلیلگران نباشیم که از روسیه بخواهند تا نقشی را در رابطه با آینده‌ی اوکراین، یا فنلاندیزه کردن اوکراین از سوی سازمان ملل ایفا نماید که در آن به روسیه تعهد بدهند که اوکراین هیچگاه به ناتو نخواهد پیوست. اقدام پوتین در اوکراین بایستی برای همگان روشن نموده باشد که تا زمانی که او بر سر کار باشد، روسیه همچنان به عنوان تهدیدی علیه آزادی و علیه بسیاری از منافع آمریکا باقی خواهد ماند".

منبع:

Newyorktimes.com

سهم کردستان از بودجه‌ی ایران



پروژه‌های در دست اجرا اعم از عمرانی، پزشکی و آموزشی دید. هر چند تمامی این پروژه‌ها در تأسیس چند مرکز پزشکی و یا بنیادها و کارگاه‌های کوچک صنایع دستی، برنامه‌ی آبرسانی و جاده‌سازی خلاصه می‌شد، ولی توقف همین برنامه‌ها هم می‌تواند وضع زندگی مردم را دشوارتر کند. بنابر این دستاورد دولت روحانی برای این مناطق چیزی نخواهد بود بجز فقر و تنگدستی هر چه بیشتر و کاهش امکانات تحصیلی، بهداشتی و معیشتی برای مردم، طبیعی خواهد بود که نتیجه‌ی این کار چیزی نیست جز افزایش ناامیدی مردم و تلاش برای فرار از این وضعیت به شیوه‌های گوناگون مانند فرار مغزها و یا فرار سرمایه از مملکت.

وعده‌ی روحانی برای تخصیص حداقل دو درصد از درآمد نفت به صورت بودجه‌ی اضافی به استان خوزستان (قلب تپنده‌ی نفت ایران) و دیگر استان‌های محروم مانند استان‌های کردنشین جهت زدودن تدریجی فقر از سیمای این استان‌ها هم تنها در چهارچوب شعار باقی ماند. حتی در عمل روحانی مسیر خلاف را طی کرد و از مجموع چهار هزار میلیارد تومانی که این دو درصد بودجه می‌توانست به حیات اقتصادی این مناطق تزریق کند، تنها ششصد میلیارد تومان به این مناطق تخصیص داد. این امر سبب استغفای دسته‌جمعی نمایندگان خوزستان شد. همچنین نمایندگان بخشی از استان‌های کردستان نیز موضوع استعفای جمعی را به‌دلیل توزیع ناعادلانه‌ی درآمد کشور و تخصیص بخش عمده‌ی بودجه به استان‌های مرکزی مطرح کردند. هر چند برنامه‌ی استعفا عملاً اجرا نشد، ولی نشان داد که سطح بی‌عدالتی و تبعیض در حدی است که حتی نمایندگان این مناطق در مجلس رژیم نمی‌توانند در برابر آن سکوت کنند.

سهم کردستان از بودجه‌ی ایران به‌طور عمده در برنامه‌های نظامی رژیم و میلیتاریزه کردن منطقه خلاصه می‌شود. از برنامه‌های عمرانی تأمین آب و برق گرفته تا راهسازی و ایجاد سد، تمام پروژه‌ها در چهارچوب برنامه‌های استراتژیک امنیتی اجرا می‌شوند. اگر مردم منطقه هم از این پروژه‌ها نفعی داشته باشند، هدف اصلی و پشت پرده‌ی رژیم همانا تقویت بنیه‌ی جنگی‌اش در کردستان است. چرا که زیربنای اقتصاد کردستان خالی و پروژه‌های رونمایی هم بسیار شکننده و متزلزل هستند.

رژیم جمهوری اسلامی نه تنها برای توسعه و پیشرفت کردستان برنامه‌ای ندارد، بلکه بودجه‌ی کشور را در مسیر منع پیشرفت کردستان بکار می‌گیرد. علاوه بر این، رژیم جلو فعالیت‌های بومی و پیشگامی مردم منطقه برای ایجاد

به اصطلاح صنعتی کشور به بهانه‌ی اجرای برنامه‌های کلان عمرانی، استراتژیک و به‌اصطلاح درآمدزا به سود مملکت و مردم خط مشی دولت جدید نسبت به مناطق ملیت‌های تحت ستم ایران را حتی واضحت‌تر از دولت‌های پیشین نشان داد. سهم کلی کردستان، بلوچستان، ترکمن صحرا، لرستان و خوزستان از بودجه‌ی جدید، بجز پروژه‌های مربوط به صنعت نفت که هیچ سودی برای مردم بومی ندارند، در مقایسه با بودجه‌ی یکی از استان‌های مرکزی بحدی ناچیز است که حتی زمینه‌ای برای مقایسه باقی نمی‌گذارد. به قول معروف، هزار رحمت بر همان کفن‌دزد پیشین که گفتار و کردارش علیه ملیت‌های بدور از حوزه‌ی حاکمیت کم و بیش یکی بود.

بر خلاف وعده‌های روحانی در رابطه با کاهش تشنج، رفع تبعیض، بهبود وضع زندگی مردم، به‌ویژه مردم مناطق محروم و فقر زدایی از چهره‌ی سایر استان‌ها، واقعیت چیز دیگری را نشان می‌دهد و آن هم افزودن سی درصدی بر بودجه‌ی نظامی و دفاعی و کاهش ۳۳ درصدی بودجه‌ی سازمان‌های عمرانی، سازندگی، آموزشی، پزشکی و درمانی می‌باشد. این تغییر در تناسب تقسیم بودجه، یکی از مهمترین طرح‌های آموزشی و پرورشی که با استقبال پرشور مردم روبرو شده بود، یعنی طرح ایجاد سازمان نهضت سوادآموزی در سال ۱۳۵۸ را با کمبود شدید بودجه مواجه می‌کند. این طرح که در جهت ریشه‌کن کردن بیسوادی در مملکت به میان آمده بود، به مرور زمان کم رنگ شد ولی به حیات خود ادامه می‌داد. در دوران احمدی نژاد به دلیل سیاست‌های نادرست دولت، اهمیت ندادن به فرهنگ آموزشی و ترویج جهل و خرافه از یکسو و سوء مدیریت مسئولین از سوی دیگر نتوانست به اهدافش دست یابد. و امروز علیرغم بیسواد ماندن بخش قابل توجهی از جامعه در ورطه‌ی ورشکستگی قرار گرفته است. این در حالی است که طبق آمارهای اخیر که توسط خود سازمان آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران اعلام شد، تنها در سال جاری تحصیلی حدود ۳۹ هزار دانش آموز از تحصیل در دوره‌ی ابتدایی محروم مانده‌اند. البته این سازمان از کودکانی که به جای درس و مدرسه در کارگاه‌های قالببافی و کوره‌های آجرپزی و سایر کارهای سنگین خارج از توانشان که با توجه به موقعیت جغرافیای محیط زندگیشان مشغول کار هستند، آماري در دست ندارد .

افزایش سی درصدی بودجه‌ی نظامی که تأثیر مستقیمی بر کاهش بودجه‌ی عمرانی و رفاهی می‌گذارد، بیش از مناطق مرکزی، استان‌های محل سکونت ملیت‌ها را در مضیقه قرار می‌دهد. اولین نشانه‌های کاهش بودجه به خصوص در استان‌های محروم را می‌توان در توقف بخش عمده‌ی

ابراهیم ارومیه

دولت جدید حسن روحانی که با وعده‌ی بهبود وضع زندگی مردم روی کار آمد و خود را دولت تدبیر و امید نامید، قول داده بود که در گزارش یکصد روزه کارش اولین نشانه‌های احقاق شعارهایش را برای مردم ثابت کند. در عمل آنچه تا کنون شاهدش بوده‌ایم عملکرد خلاف وعده‌ی یازدهمین دولت جمهوری اسلامی ایران است که از بدو تأسیس تاکنون پیوسته با شعارهای رنگ‌باخته سعی در وانمود کردن چهره‌ای جداگانه از آنچه تاکنون از دولت‌های جمهوری اسلامی دیده‌ایم داشت.

روحانی با دادن وعده‌های رنگارنگ به مردم در سراسر ایران توانست باکمی بیشتر از پنجاه درصد آرای ریخته شده به صندوق‌ها بر سر کار بیاید. او از همان اولین روزهای تکیه بر عرصه‌ی قدرت، ناکامی دولت‌های پیش از خود در بهبودی وضع زندگی مردم را به رخ همگان کشید و از برنامه‌های جدید و جدی برای تغییر این وضع خبر داد. به گفته‌ی روحانی اقتصادی که او تحویل گرفت یک اقتصاد ورشکسته و پریشان بود، ولی مشاوران اقتصادی او در کمتر از شش ماه قادر خواهند بود برنامه‌ای جدید ارائه دهند که علاوه بر بهبود شرایط کلی اقتصادی کشور، بر زندگی روزمره مردم هم اثر بگذارد. به همین دلیل طبیعی به نظر می‌رسید که بخشی از این وعده‌ها در اولین بودجه‌ی ارائه شده توسط دولت روحانی نمایان شوند.

حال اگر کمی در کارکرد دولت روحانی تعمق کنیم آشکارا می‌بینیم که عملکرد او نه تنها فرق چندانی با دولت‌های پیشین خود ندارد، بلکه از لحاظ عملکرد و برخورد با مشکلات و معضلات جامعه بی‌تدبیرتر و ناتوانتر از پیشینیان خود است. از بدو روی کار آمدن روحانی هر روز شاهد افزایش چشمگیر اعدام‌های سیاسی و نقض حقوق شهروندی در سراسر ایران هستیم. منشور حقوق شهروندی آقای روحانی در چهارچوب کلی‌گویی و ادعای ذهنی باقی مانده و در عمل برنامه‌ی انتقام از معترضان و دگراندیشان اجرا می‌شود، بدون آنکه روحانی و همفکرانش مخالفتی با آن داشته باشند.

اخیرا با توجه به ارائه‌ی طرح بودجه سال آینده و تقدیم آن به مجلس و در نهایت تصویب آن، پرده از بخشی از برنامه‌ی روحانی برای مناطق دور از مرکز که بیش از هر زمانی نیاز به رفع تبعیض دارند برداشته شد. این بودجه که بظاهر توسط کارشناسان نزدیک به روحانی، ولی در عمل همان مرکزگرهای دست‌پرورده‌ی استادان احمدی نژاد و همفکرانش آماده شده است، سهم مناطق دور از حوزه‌ی اقتدار در مرکز ایران را کمافی‌السابق تنها در ادای وظیفه در برابر مرکز خلاصه کرده است. در عمل شاهد آن هستیم که مهره‌های دست پرورده‌ی حاکمان مستبد ایران از هر طیف و قماش‌کی که باشند، دیدشان نسبت به ملیت‌های تحت ستم ایران و مناطق این ملیت‌ها کاملاً یکسان است. به همین دلیل می‌بینیم که بودجه‌ی دولت آقای روحانی هم کماکان به هدف پیشبرد برنامه‌های نادرست و منفعت‌طلبانه‌ی حاکمان تهیه شده و باعث محروم ماندن هر چه بیشتر استان‌های محروم و مردم ستم‌دیده می‌شود.

بودجه‌ی سال ۱۳۹۳ دولت روحانی هر چند در ابتدای کار به تصویب شورای نگهبان نرسید و به مجلس بازگردانده شد، ولی در عمل نشان داد که هیچ توجهی به نقاط محروم کشور ندارد. توزیع ناعادلانه‌ی بودجه بین استان‌ها و تخصیص دادن بخش عمده‌ی آن به ۹ استان مرکزی و

دستاوردهای اجتماعی ۳۵ سال زمانمداری جمهوری اسلامی

عادل مرادی

مسائل یا معضلات اجتماعی هیچ‌گاه تصادفی نیستند، بلکه معمولاً شرایط معینی آنها را به وجود می‌آورند و با پیدایش آن‌ها، جامعه دچار بحران و تشویش می‌شود. زمانی که در جامعه اختلالاتی پدید آید که تعادل عمومی، عملکرد بهنجار و معمول حیات اجتماعی را به مخاطره افکند، سخن از بحران اجتماعی پیش می‌آید. نمونه‌ی بارز آن، جامعه‌ی امروز ایران است که ساختاری بحران‌زده دارد چراکه با مشکلات، معضلات و بحران‌های عدیده‌ی روبروست و می‌توان گفت که نظم جامعه بهم ریخته و فضای جامعه، فضایی تشوش‌آلود بوده و مسائل اجتماعی نیز به حدی وسیع و گسترده‌اند که روز به روز بر نگرانی مردم در این رابطه می‌افزایند.

از جمله‌ی این معضلات اجتماعی می‌توان گرایش روز افزون به مصرف مواد مخدر و عواقب ناشی از آن اشاره کرد. به گفته‌ی وزیر کشور رژیم، یک میلیون و ۳۲۵ هزار نفر معتاد در ایران وجود دارند که ۶۳ درصد این تعداد نیز متأهل هستند، یعنی ۷۵۰ هزار نفر زن در کشور دارای همسر معتاد هستند که دچار مشکلاتی همچون افسردگی، همسرآزاری، پرخاشگری و نارضایتی اجتماعی هستند. حدود ۴۶ درصد از زندانیان، مستقیماً و ۲۵ درصد از سایر زندانیان به صورت غیر مستقیم به دلیل ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در زندان‌ها محبوسند. با احتساب بعد خانوار برای افراد معتاد نیز،

شش میلیون نفر مستقیماً با معضل مواد مخدر درگیر هستند.

طلاق در ایران به طرز بی‌سابقه‌ای در حال افزایش است. براساس آمار سازمان ثبت احوال ایران، آمار ازدواج تا پایان ماه آذر سال ۱۳۹۲، میزان ۵۷۹۸۷۱ و آمار طلاق تعداد ۱۰۸ هزار و ۲۴۹ مورد و در مقایسه با دوره‌ی مشابه در سال گذشته، ۱۳/۳ درصد افزایش یافته است. در ایران، در هر شبانه‌روز به طور متوسط ۳۸۷ مورد طلاق و در هر ساعت به طور متوسط ۱۶ مورد طلاق رخ می‌دهد. براساس آمار اعلام شده، بیشترین میزان طلاق ثبت شده در بین مردان و زنان در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ ساله بوده است. درباره‌ی میانگین سن ازدواج پسران و دختران نیز می‌توان گفت که میانگین سن ازدواج پسران در کشور ۲۷/۴ سال و در دختران ۲۲/۱ سال ثبت شده است.

در چند سال اخیر تعداد ازدواج‌ها کاهش یافته، این امر در شرایطی است که کل جمعیت ایران افزایش یافته است. این پدیده با سخت‌تر شدن شرایط اقتصادی و رشد معضلات اجتماعی و فرهنگی در دوره‌ی اخیر رابطه‌ی مستقیمی دارد. روند طلاق نیز طی ده سال اخیر قابل توجه است. طی هشت سال، درصد طلاق از ۱۰/۶ درصد به ۱۸/۶ درصد افزایش یافته است. این آهنگ رشد بیانگر بحران طلاق در ایران است و مستلزم یک تحلیل جدی می‌باشد. همچنین سن گرایش دختران به فساد و فحشا سیر نزولی را طی می‌نماید به گونه‌ای که به زیر ۱۲ سال رسیده است. خانواده‌ها در حال فروپاشی هستند و می‌توان گفت که این بحران ناشی از



تحولات ساختاری و اجتماعی ژرف در جامعه و سیاست‌های نادرست رژیم در سطح کلان می‌باشد. مرکز آمار ایران در اعلام نرخ بیکاری کشور در تابستان ۹۲، تعداد بیکاران کشور را نزدیک به دو میلیون و ۵۶۳ هزار و ۶۲۴ نفر برآورد کرده است. هرچند که همین نهاد آماری پیش بینی کرده است که در سال‌های آینده ۸/۵ میلیون نفر به بازار کار وارد خواهند شد که این موضوع چالشی جدی به حساب می‌آید. در این

میان، وضعیت اشتغال جوانان بسیار وخیم بوده و در وضعیت خطر قرار گرفته است. بر مبنای اعلام مرکز آمار در تابستان امسال، نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله ۲۳/۹ درصد و نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله نیز ۲۱/۱ درصد

این گفتار وجود ندارد.

ساختار دینی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر ایران آسیب‌زاست و مشکلات گوناگون همچون اعتیاد، افسردگی، بزهکاری، قتل، بیکاری، فساد، نگرانی اجتماعی و افزایش نرخ طلاق همگی در بستر این ساخت قابل توضیح است. در جامعه‌ی امروز ایران، فساد یک پدیده‌ی سراسری است، تشویش و ناآرامی همه جانبه است، سرگشتگی جوانان عمیق است، بحران خانواده وسیع است، اختناق مذهبی بیداد می‌کند، این وضع نشانه‌ی سوء مدیریت و حاکمیت خودسرانه‌ی زمامداران رژیم جمهوری اسلامی است. فقدان خردورزی، تصمیم‌گیری نامناسب و مداخله در کوچک‌ترین مسائل اجتماعی و حتی زمینه‌های بسیار شخصی مانند ازدواج و روابط زناشویی، افراد جامعه را در هم پیچیده و بسیاری از تصمیم‌های آنان را با مانع روبرو ساخته و روحیه‌ی افراد را رنجور ساخته است. به علاوه رژیم‌های دیکتاتور و مستبد چون رژیم جمهوری اسلامی، انسان‌های غیر مسئول پرورش می‌دهند تا آن‌ها با روحیات کوک‌شده و ناتوان همچون غلام حلقه به گوش بوده و تنها اطاعت کورکورانه نمایند و یا خاموش باشند که فضای جامعه‌ی امروز ایران مملو از این‌گونه افراد می‌باشد.

در پایان می‌توان گفت که ساختار تک‌بعدی (اقتصادی- عمرانی) توسعه‌ی کشور، عدم توجه کافی به سلامت اجتماعی، تغییر ساختار خانواده، ضعف و ناکارآمدی نظام تأمین اجتماعی، نداشتن سیاست اجتماعی مشخص در حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی، نداشتن متولی مشخص در حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی، غلبه‌ی رویکرد صرف سیاسی - امنیتی در جامعه، جدی گرفته نشدن امور اجتماعی به ویژه آسیب‌های اجتماعی و در حاشیه بودن این امور و نداشتن دماسنج اجتماعی عامل توسعه‌ی آسیب‌های اجتماعی است و نیز نگاه امنیتی و انتظامی حاکم بر جامعه و گسترش روزافزون آن موجب زیرزمینی شدن آسیب‌های اجتماعی شده است.

آموزه‌هایی از آموزگاران مقاومت

چکو احمدی

کارل گوستاو یونگ، روانشناس شهیر سوئیسی بر این باور است که انسان‌ها دو شیوه اخلاق را پیروی می‌کنند: "اخلاق بردگی و اخلاق اربابی". به باور یونگ، اخلاق بردگی همان اخلاقی است که اکثریت افراد جامعه‌ی بشری در زندگی روزمره بدان پایبند هستند و برانند که با روند اخلاق مسلط بر جامعه همراه شوند و همرنگ و همراه و هم‌عقیده با اکثریت جامعه باشند. اما وی بر این باور است که اخلاق اربابی در کسانی بازتاب پیدا می‌کند که به بالاترین مقام بلوغ فکری می‌رسند و تنها بر اساس وجدان خود، و نه ترس از ماورالطبیعه، قانون و افراد پیرامون و تشویق اجتماعی، قوانین اخلاقی را مد نظر قرار می‌دهند. وجدان چنین افرادی مستقل، بالغ و راستگوست. برای ابراز عقاید خود از هیچ پیشامدی هراس ندارند. اخلاق اربابی مرزهای محدودی ندارد به دور از منفعت‌طلبی است و دچار تعصب نمی‌شوند. به دیگر سخن، اخلاق اربابی مورد نظر یونگ، همان اخلاق وارستگان و آزادمردان رهیده از قید تظاهر و اخلاق گرای ایزاری است.

اخلاق اربابی نزد کسانی که اخلاق بردگی را پیشه کرده‌اند، بعضاً زیبا و جای تقدیر و بعضی مواقع نیز گناه آلود است و اغلب مواقع نیز چنین اخلاقی گنگ و نامفهوم است. یونگ می‌گوید: این‌گونه افراد

با درک نشدن از سوی بخشی از جامعه، تاوان بلوغ فکری خود را می‌پردازند.

لازم به ذکر است که مجموعه‌ای از آدم‌ها نیز هستند که به دلیل نخبگی و نادر بودن در عصر خود، به صورت واقعی و میدانی تحت مطالعه‌ی روانشناسان و انسان‌شناسان قرار نگرفته‌اند. زیرا چنین افرادی و رفتارشان همیشه به عنوان سمبل در نظر گرفته می‌شوند و در همه‌ی اعصار، سمبل همه‌ی انسان‌های نمونه و نخبه هستند. اگر بخشی از ثوری یونگ را برای تعریف جامعه‌ی کردستان و افراد آزاده و صاحب اراده به کار ببریم، می‌توان در مرحله‌ی اول به کسانی اشاره کنیم که از میان زندگی مرفه و زندگی پر فراز و نشیب و سخت و رسیدن به آرامش حقیقی درونی، گزینه‌ی دوم و رسیدن به بلندترین مقام انسانی را انتخاب کردند که از این میان، می‌توان به منش پیشوا قاضی محمد به عنوان سمبل اخلاق انسان آزاده اشاره نمود. فلسفه‌ی رفتن پیشوا قاضی محمد به سوی چوبه‌ی اعدام، برای ماندگاری مردمش، تبدیل به خط مشی خاصی گردید که بسیاری برای رسیدن به مقام والای انسانیت، سربلندی و آرامش واقعی درونی از آن تبعیت می‌کنند.

نزدیک به هفت دهه از تصمیم بزرگ پیشوا می‌گذرد، اما تاکنون نیز فلسفه‌ی پیشوا برای ماندگاری ابدی، در عمل بخشی از احاد ملت کرد انعکاس پیدا می‌کند و برای رسیدن به اهداف، اخلاق

اربابی را به خمیر مایه‌ی آن خط‌مشی مقدس تبدیل نموده و با ساختاری دیوصفت مقابله می‌کنند که از اوایل به قدرت رسیدن تاکنون همه‌ی تلاش خود را برای نهادینه کردن فرهنگ و اخلاق بردگی در جامعه به کار گرفته است. اما افراد نخبه‌ی کرد و پیشروان جامعه یعنی کسانی که به شیوه‌ی واقعی به پیشمرگ تبدیل شدند و زندگی سخت و راه دشوار را برای رسیدن به اهداف انتخاب کردند، با نهادینه کردن اخلاق انسانی آزاده در خود، به مقابله با قدرتی به ظاهر بزرگ و در باطن، پوسیده برخاستند و اراده‌ی پولادین خود را به ایزاری برای نابود کردن قدرتی اهریمنی تبدیل کردند.

در اینجا منظور از انسان آزاده، آن دسته از زندانیان سیاسی و روزنامه‌نگاران زندانی کرد است که به جرم تلاش برای رسیدن به آزادی و رهایی ملت کرد، در زندان‌های رژیم محبوس هستند و سال‌های متمادی از عمر خود را زیر فشار و شکنجه‌های فیزیکی و روحی رژیم سپری نموده‌اند و همچنان به استقامت و سربلندی خود ادامه می‌دهند و پایبند بودن بر عقاید و خط‌مشی خود را تکرار و ابراز می‌کنند.

عدنان حسن‌پور، روزنامه‌نگار و زندانی سیاسی کرد از سال ۱۳۸۵ تاکنون زندانی شده و تاکنون حتی یک روز هم به وی مرخصی نداده‌اند و بخش عظیمی از حقوق زندانی را از او سلب کرده‌اند و در چند روز گذشته بدون اطلاع وی و خانواده‌اش به

زندان زابل که بیش از ۱۸۵۰ کیلومتر با زادگاه خود فاصله دارد، واز آنجا نیز پس از چند روز به زاهدان تبعید شده و در وضعیتی نامناسب و نامشخص به سر می‌برد.

عثمان مصطفی‌پور در سال ۱۳۷۰ دستگیر شده و تاکنون در زندان به سر می‌برد. محمد نظری از سال ۱۳۷۳، والی درودی، محمد مرادی، عمر امامی و علی صالحی در سال ۱۳۷۵ بازداشت شده و تاکنون به جرم آزادیخواهی و تلاش برای رسیدن به بالاترین مقام انسانی، بخش اعظم زندگی خود را در زندان‌های رژیم گذرانده، با فدا کردن عمر و زندگی خود، مسیر مقاومت و سربلندی را برگزیده‌اند. لازم به ذکر است که این افراد تنها نمونه‌هایی از مبارزین ملت کرد هستند و بنا به فشارهای اخیر که بر این عزیزان روا داشته شده، اسامی آنها ذکر شده است. کسانی که نام آنها ذکر شد، بخشی از آن



دسته از افرادی هستند که به پیشاهنگان آزادی یک جامعه تبدیل شده‌اند، تبدیل شده‌اند. آنها کلمه‌ی "پیشمرگ" را به عنوان لقب همیشگی خود انتخاب کرده و با وجود همه‌ی تبعیض‌ها و شکنجه‌ها از سوی رژیم، باز هم همچون سمبل انسان‌هایی آزاده در برابر دشمنان مقاومت می‌کنند و برگی زرین از تاریخ را برای خود و ملت و خط‌مشی خود به ثبت می‌رسانند. در مقابل نیز، جمهوری اسلامی بیش از پیش در مقابل چنین اراده‌هایی احساس شکست می‌کند و متوجه می‌شود که انسان را می‌توان به خاک و خون کشید، اما اندیشه و باور زندانی مبارز کرد تا رسیدن به قله‌ی پیروزی، مبارز و آزاده و مستقل باقی خواهد ماند. اینان سزاوار الگو شدن در جامعه هستند و اخلاق انسانی و آزادگی خود را تبدیل به آموزه‌های زندگی و مقاومت احاد ملت کرد و بشریت می‌نمایند.

اسلامگرایان بعد از مشروطه در ایران

(بخش چهارم)

پرویز جباری



۲۰ و ۳۰ شمسی، خط فکری و اعتقادی مشروطه و نحله‌های فکری مختلف آن، به ویژه در مرکز و در میان زبان و ملت حاکم در گرایش‌های سیاسی، ادبی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی تبلور یافته بودند، که اعتقاد اساسی و بنیادی آنها «مشروطه(تجدد)، تمرکز سیاسی، سلطنت، ناسیونالیسم ایرانی و مدرنیته منطبق بر فرهنگ ایرانی و تا اندازه‌ای همراهی با اسلام و روحانیت» بود. اما همین اشخاص و اندیشه‌های آنان در بسیاری از موارد مورد هجوم، تهدید، تکفیر و ترور فکری و فیزیکی اسلام‌گرایان فقهاتی، رادیکال و به تازگی اسلام‌گرایان ایدئولوژیک قرار گرفت. اسلامگرایان دهه ۲۰ شمسی در ایران، دیگر همچون گذشته و در دوران مشروطه محدود به روحانیون نبودند، بلکه طیف‌های گوناگونی از افراد و گروه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گرفت که اعتقاد آنان به اسلام به عنوان یک برنامه‌ی اجتماعی و سیاسی بود که می‌توانست جایگزین سایر مکاتب سیاسی و اجتماعی برای مبارزه‌ی سیاسی و تشکیل دولت و نیز به دست گرفتن قدرت باشد. این برنامه به صورت یک خط فکری - سیاسی، مذهبی، التقاطی، چپ‌گرایانه، ایدئولوژیک، مکتبی، فقهاتی، ارتجاعی، محافظه‌کارانه و یا هر نوع دیگری می‌توانست باشد. اسلامگرایی این دوران بر مبانی فکری و اعتقادی شیخ فضل‌الله نوری، مدرس و روحانیون تکفیری بنا شده بود که نواب صفوی و یارانش بر گرد آنها جمع شده بودند. اما این اسلامگرایان در ایران بعد از شهریور ۲۰ چه کسانی و چه گروه‌هایی بودند؟ خط فکری سیاسی - مذهبی آنها چه بود؟ رابطه و ارتباط آنان با اندیشه‌های اجتماعی، فکری، سیاسی، فلسفی و مبارزاتی غرب چگونه بود؟

در این بخش تلاش می‌کنیم تا به بررسی کوتاهی از وضعیت و آرایش سیاسی اسلامگرایان در دوران محمدرضا شاه در ایران بپردازیم. در ابتدا باید این را یادآوری کرد که این تیپ از اسلامگرایان با چهره‌های مختلف و به عناوین مختلف در تمام بخش‌های حاکمیت و اپوزیسیون رژیم سلطنتی حضور داشتند. آنان برای رسیدن به اهداف خود، هر نوع برداشت و قرائت از اسلام را جایز و مشروع می‌دانستند. از روش‌ها و شیوه‌های گسترده برای مبارزه که شامل آموزش عقیدتی در مدارس (زیر نظرمدارس با آموزش مذهبی رایج) تا مبارزه مسلحانه، ترور و خراب کاری را در پیش گرفتند. در این برداشت از اسلام سیاسی، به نوعی می‌توان گفت: تمام منابع مادی و معنوی مذهب در ایران بسیج شده بود تا هرگونه همکاری، همراهی با نیروهای غیر دینی، غیر ایرانی از اجنبی گرفته تا عرب مسلمان و غیرمسلمان جایز و روا شمرده شود.

اسلامگرایان ایرانی در بیشتر موارد به

توافق فقهی و دینی دست یابند. ۳- وحدت و ائتلاف (نظری - عملی) سیاسی و مذهبی اسلامگرایان (روحانی و غیر روحانی)

اسلامگرایان مخالف مشروطیت، اساساً قبل از مشروطیت و نیز در سال‌های بعد از مشروطیت، علما دینی، روحانیون و برخی از وعاظ و متکلمین بودند. در اصل در این دوران در برابر اندیشه‌های مشروطیت، روحانیون با گفتمان اسلام فقهاتی، متون و کلام دینی(منحصر به شریعت) به مقابله با انقلاب، جنبش آزادیخواهی مردم ایران و نیروهای روشنفکر مشروطه‌خواه برخاستند. آنان بر اساس فهم و برداشت دینی خود که از لایلای متون دینی استخراج و استنباط می‌کردند و در اصل با تفکر مدرنیته، لائیسیتته‌ی غرب و سکولاریسم اجتماعی و عقیدتی آن دوران مشروطه تضاد اساسی و بنیادی داشت، عمل می‌کردند. در اصل، اسلامگرایان و مشروطه‌خواهان آن دوران با اکثریت تام روحانیون براساس فهم دینی از متون فقهی عمل می‌کردند. اینان به دلیل عدم آشنایی با فلسفه‌ی اجتماعی و سیاسی غرب و نیز اندیشه‌ها و مکاتب فکری و سیاسی غرب و نیز دانش نوین، در دفاع خود از دین و شریعت و نیز گفتمان‌های خود در دفاع از مشروطه، کمتر از دیدگاه‌ها، اندیشه‌ها و عقاید فکری و فلسفی غیردینی غرب در خصوص موضوعات مورد چالش بهره می‌گرفتند. به نوعی می‌توان گفت: اساساً غرب و ماهیت اندیشه‌های فلسفی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی آن برای روحانیون طرفدار مشروطه و استبداد، چه در دوران قاجار و چه در زمان رضاشاه، تا اندازه‌ی زیادی نامفهوم و ناشناخته بوده است. اما اسلامگرایان دوران بعد از رضاشاه، در شرایط و اوضاع بعد از شهریور ۲۰ و سال‌های قدرت‌گیری محمدرضا شاه پهلوی از طیف گسترده و متنوعی ازاسلامگرایان روحانی و غیرروحانی تشکیل شده بودند. آنان به دلایل بسیار، تئوری‌های غرب در حوزه‌های مختلف را مطالعه نموده بودند و به دلیل مسافرت و تحصیل، آشنایی بیشتری با غرب داشتند. این خود یکی از تفاوت‌های اسلامگرایان یا به نوعی مشروطه‌خواهان این دوران با سال‌های بعد از مشروطه می‌باشد. اما در طیف دیگر، روشنفکران و حاملان مشروطه و گفتمان آن که دموکراتیک و سکولار بود، به دلیل استبداد رضاشاهی، رشد گفتمان کلان ایران‌گرایی و تأکید قدرت و سلطنت بر سیاست تمرکزگرایی در ایران، دچار تغییر، تعدیل، تضعیف و انحراف از روح و ماهیت مشروطه شده بودند. به نوعی می‌توان گفت: در این دوران، آن حمایت سراسری و مقاومت ملت‌های دیگر در شکل یک جنبش سراسری، برای آزادی و مبارزه با استبداد و ارتجاع مذهبی، همچون دوران مشروطه‌خواهی وجود نداشت. دردهه‌های

و تهدیدی بود که به گمان و تحلیل خود از مشروطیت در دل داشتند. آنان معتقد بودند که گفتمان و اندیشه‌های مشروطیت تزلزل و گسل در پایه‌ها، بنیادهای فکری و اعتقادی جامعه‌ی سنتی و گفتمان دینی ایجاد کرده است. مشروطیت با اندیشه‌ها و گفتمان نوین خود به طور کلی تحدید سلطنت، استبداد و قدرت را در کنار تسلط و استیلای اعتقادی دین که عامل اصلی عقب‌ماندگی، ارتجاع و خرافات در جامعه می‌باشد، نشانه گرفته است. بر همین مبنا و بر اساس این تفسیر، سیاست دشمنی با مشروطه و آرمان‌های آن را در عرصه‌های مختلف و به شیوه‌های گوناگون در پیش گرفتند. اسلامگرایان مشروطه‌خواه (روحانی و غیرروحانی) با تبلیغات، دسیسه‌چینی و همراهی با استبداد و سلطنت، علیه آزادی، مشروطیت و اندیشه‌های دموکراتیک در یک صف قرار گرفتند. روحانیون مشروطه‌خواه در همراهی با رضاشاه و یا سکوت در برابر برنامه‌های ضد مشروطه‌ی وی در اندیشه‌ی خود، در صدد توسعه و گسترش تشکیلات خود بودند و در همان دوران رضا شاه نیز موفق به این کار شدند. همین استبداد ۵۰ساله و ضد مدرنیته مهمترین بستر برای سرخوردگی آزادخواهان، سکولارها، نیروهای دموکرات، چپ‌ها و سایر فعالین سیاسی با اندیشه‌های مشروطه‌خواهی بود. این بستر غیردموکراتیک خود زمینه‌ای برای بسط و گرایش اسلامگرایان سیاسی و رادیکالی گردید که از دل حوزه‌ی علمیه‌ی سنت‌گرا سر برآوردند. مشروطه و تجربه‌ی روحانیت از تأیید تا مخالفت، دسیسه‌چینی و توطئه علیه گفتمان سکولاریسم بر آمده از مشروطه و روند آن در ایران سبب گردید تا اسلامگرایان و در رأس آنها روحانیون با بازنگری در نظریه‌های مشروطه‌ی مشروطه، سلطنت مشروطه و تئوری‌های دینی حکومت، با اقتباس از جنبش‌های اسلامی دنیای اسلام و عرب به حضور دوباره‌ی خود در سیاست شکلی دیگر ببخشند. آنان با بهره گرفتن از تجربه‌ی مشروطه و به نوعی اندیشه‌ی انتقام از مدرنیته و نیز ترس از تحقق و نهادینه شدن این اندیشه در حوزه‌های قانون، سیاست، جامعه و غیره به شیوه‌های مختلف از سنت‌گرایی تا رادیکالیسم دینی تلاش کردند تا یک نظریه‌ی دینی - سیاسی برگرفته از فقه سیاسی برای هدایت جامعه‌ی اسلامی بنا کنند. بر همین مبنا و بر اساس برداشت فقیهانه و تأکید بر دیدگاه شریعت و بازگشت به اسلام شیعی، آخرین آرمان‌های مشروطیت را هدف قرار دادند. با بهره‌گیری تام از اسلام‌گرایان غیر روحانی، به تخریب مشروطیت از درون همت گماردند. تا آنجا که، در نهایت توانستند بر روی نظریه‌ی " ولایت فقیه " برای بازگشت به سیاست، کسب قدرت و نفی آرمان‌های سکولاریسم و مدرنیته در ایران به اجماع و

روحانیت بر مبنای عقیده و تفسیر خود از دین، بیشتر مدرنیته، سکولاریسم و حاملان فکری، اجرایی و سیاسی آن را دشمن اصلی خود می‌دانست، نه نهاد سلطنت و حاکمیت سیاسی را، چرا که همراهی و همگامی آنها با هم در تقسیم قدرت، اداره و هدایت جامعه و مردم سابقه‌ای طولانی داشته است. ازدیدگاه آنان، این اندیشه و تفکر جدید است که نقش سیاسی، قدرت و مشروعیت آنان را به چالش کشیده است. در اصل این اندیشه‌ی مشروطیت می‌باشد که، هردو نیروی مخالف آزادی و عدالت را همزمان به چالش کشیده است. برهمین اساس، در مقاطع مختلف به انتقام‌گیری و مقابله با روشنفکران و حاملان اندیشه‌ی مدرنیته می‌پردازند. روحانیت قبل ازمشروطه در ایران، در حاکمیت و قدرت سیاسی خود را سنتا و به صورت نانوشته صاحب حق و نفوذ می‌دانست و برای خود جایگاه خاصی قائل بود. اما در پی مشروطیت با عملکرد و شیوه‌های خود در تفسیر دین، برای مقابله با اندیشه‌های نوین و انسانی به تفاسیر دینی دست زد تا جایگاه و حق ویژه‌ای برای خود در سیاست و قانونگذاری ایجاد یا حفظ نماید. تفسیر و نظارت بر قوانین در مجلس و نقش خاص آن در متمم قانون اساسی مشروطیت بر همین اساس لحاظ و تنظیم گردید. این همان حق انحصاری بود تا این نهاد ضد آزادی و مدرنیته، با تمام توان از آن به نفع خود و ساختار سنتی خود استفاده نماید. این متمم، حضور و جایگاه آنان در قدرت و سیاست ایران را به صورت کاملاً قانونی تثبیت نمود. همین جایگاه در همان ابتدا، تبدیل به سکویی برای مخالفت و ضدیت با خواست مردم و نیروهای سکولار برای پیشرفت و تغییر در جامعه گردید. خمینی در اهمیت این متمم برای اسلامگرایان و ضدیت با مشروطه و نیز با اشاره به تجربه‌ی مشروطه و تأکید بر نقش روحانیت در مقابله با آن نیز به نقش التقا و پیوند بین تلاش‌ها ی مدرس در ضدیت با اندیشه‌های سکولار و روح مشروطه و نیز پیروی از میراث شیخ فضل‌الله نوری در جبهه‌ی مشروطه‌خواهان می‌گوید: "اگر هر شهرستان، چند نفر مؤثر و فداکار مثل مرحوم مدرس شهید را داشت، مشروطه به طور صحیح و مشروع پیش می‌رفت و قانون اساسی و یا متمم آن که مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری در راه آن شهید شد، دستخوش افکار غربی و دستخوش تصرفاتی که در آن شد، نمی‌گردید. اسلام عزیز و مسلمانان مظلوم ایران آن رنج‌های طاقت‌فرسا را نمی‌کشیدند ". صحیفه‌ی نور، جلد ۱۴، سخنرانی ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۲.

این بخشی از باور، عقیده و آرمان فکری - مذهبی روحانیت و اسلام فقهاتی در خصوص مشروطه می‌باشد. این تفکر مذهبی - سیاسی در سال‌های بعد، حرکت خود را در ضدیت با مشروطه، افکار مدرنیته، فلسفه‌ی سیاسی - اجتماعی غرب آغاز می‌کند و خود را بر اساس ضدیت با ماهیت اندیشه و تعقل آزاد تعریف می‌کند. خمینی انقلاب اسلامی و تئوری مذهبی خود را نتیجه‌ی مقاومت‌ها، مبارزات و تلاش‌های روحانیون شریعت‌گرا علیه مشروطه می‌داند. خود و حرکتش را میراث‌دار شیخ فضل‌الله نوری، مدرس، کاشانی و نواب صفوی می‌داند. این وضعیت روحانیت ضد مشروطه می‌باشد که به نوعی با برنامه‌های رضاشاه به صورت خیلی احتیاط‌آمیز برخورد و همراهی می‌کند. اتحاد و همراهی سلطنت، عالمان دینی و روحانیون مشروطه‌خواه در مقاطع مختلف بعد از مشروطه، همواره ناشی از تزلزل، ترس

در راستای همکاری بیشتر نیروهای دموکرات و مترقی ایران بکوشیم

بازتاب

فاتح صالحی

همه‌ی وعده‌های رئیس‌جمهور (ماده‌ی نهم)

در شماره‌های قبل پیرامون وعده‌های انتخاباتی حسن روحانی به مردم و به‌ویژه ملیت‌های ایران و اقلیت‌های مذهبی بحث کردیم، به خصوص وعده‌هایی که در منشور سوم روحانی درج شده بودند و نامبرده قبل از رسیدن به مقام ریاست جمهوری، بر اجرای آن‌ها تأکید می‌نمود و شاید همین وعده‌های روحانی سبب گردید که بخشی از مردم ایران و حتی ملیت‌های غیر فارس در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کرده و به حسن روحانی رأی دادند و او را به عنوان رئیس‌جمهور رژیم ایران روانه‌ی کاخ ریاست‌جمهوری نمودند.

ماده‌ی نهم: "تغییر نگاه امنیتی نسبت به اقوام و فرهنگ‌های ایرانی و تبدیل ساختار و روش‌های سیاسی-امنیتی به نظام مدیریت علمی و کارآمد، به‌منظور استفاده‌ی بهینه از منابع بکر و سرشار مادی و انسانی این مناطق."

آنچه تاکنون آشکار گشته و می‌توانیم بر آن تأکید نماییم، بحث پیرامون این واقعیت است که نه تنها دیدگاه امنیتی نسبت به این مناطق تغییری نکرده، بلکه برعکس تشدید شده و بازداشت‌های خودسرانه، حبس‌های طولانی مدت و افزایش آمار اعدام در این حوزه‌ها، اثبات‌کننده‌ی نگاه مضاعف امنیتی به این مناطق بوده و این موضوع نمایانگر این حقیقت است که هیچ‌گاه مسئولان رژیم نمی‌توانند دیدگاه امنیتی خود را نسبت به ملیت‌های ایران تغییر دهند. بلکه هر بار به بهانه و توجیهی واهی فضای امنیتی این مناطق را تشدید می‌نمایند و برای اینکه خود را تبرئه نمایند، فراقتنی می‌کنند و مسائل و مشکلات را به عهده‌ی جناح‌های دیگر رژیم می‌اندازند و مدام همدیگر را متهم می‌سازند که اوضاع و فضای امنیتی غالب فراتر از محدوده‌ی اختیارات و وظایف آن‌هاست و در این رابطه خود را میرا می‌سازند.

در حالی که همگان واقفند وعده‌های انتخاباتی رؤسای جمهوری ایران به طور کلی وعده‌ی سر خرم محسوب می‌شود و حسن روحانی نیز با معرفی چندین وزیر که سابقه‌ی امنیتی و نظامی دارند، ثابت نمود که بر خلاف وعده‌های انتخاباتی خویش عمل نموده و وزارتخانه‌های مزبور نیز در تشدید فضای امنیتی ید طولایی دارند و هیچ کس نمی‌تواند نقش منفی آن‌ها را در تشدید فضای امنیتی این مناطق نادیده بگیرد. به‌ویژه مناطقی که محل زندگی و سرزمین آبا و اجدادی ملیت‌های ایران است.

اقدام جهانی علیه فلج اطفال



سازمان جهانی بهداشت (یونیسف) فعالیت گسترده‌ای را به منظور واکسیناسیون ۱۰ میلیون کودک برای مقابله با فلج اطفال در خاورمیانه آغاز نموده است. این سازمان در اطلاعیه‌ی خود بیان نموده است: کودکان عراق و مصر و اردن و سوریه در اولویت واکسیناسیون قرار دارند و تعداد آنان ۱۰ میلیون نفر می‌باشد. یونیسف همچنین از انجام چنین اقدامی در لبنان خبر داده است. بر اساس گزارش سازمان، این سرآغاز فعالیت گسترده است که در پایان آن ۲۲ میلیون کودک در مناطق مختلف جهان واکسینه می‌شوند.

بوئینگ، از هواپیماسازی تا موبایل هوشمند

سیستم اندروید ساخته شده و تمام ارتباطات تلفنی و داده‌ها را محدود و مسدود می‌نماید.

همچنین به این نکته نیز اشاره شده است که در صورت هر گونه تلاشی برای باز کردن موبایل، این دستگاه به طور اتوماتیک تمامی داده‌ها را حذف نموده و از کار خواهد افتاد. تاکنون زمان ورود این موبایل به بازار و قیمت آن تعیین نشده، لیکن گزارش‌ها حاکیست که احتمالاً در تابستان سال جاری وارد بازار خواهد شد.

کمپانی عظیم هواپیماسازی بوئینگ، سعی می‌کند یک نوع موبایل هوشمند بسازد که اگر کسی غیر از صاحبش به آن دست بزند، به شیوه‌ای خودکار متلاشی می‌شود.

تولید این موبایل هوشمند که نام آن (بوئینگ بلک) می‌باشد، به عنوان گام مهمی در راستای تأمین ایمنی ارتباطات میان آژانس‌های دولتی در عرصه‌ی امور دفاعی به شمار می‌رود.

هر چند که شرکت مزبور جزئیات این موبایل هوشمند را آشکار نکرده، اما اشاره نموده که موبایل بر مبنای

لباس اولین سفر آسمانی به فروش می‌رسد

در میان وسائل و لباس‌ها، نوشته‌ای از آرمسترانگ وجود دارد که هنگام فرود بر روی ماه نوشته است و قبل از مزایده، قیمتی برابر با ۴۵ هزار دلار برای آن در نظر گرفته شده است.

همچنین یک دست لباس روسی نیز به همان شیوه در مزایده به فروش گذاشته شده و قیمت در نظر گرفته شده برای آن ۲۰ هزار دلار می‌باشد.

خانه‌ی مزایادات اعلام نمود: لباس‌های اولین سفر آسمانی به ماه که کارمندان آپولو به مدت ۱۱ سال از سال ۱۹۶۹ به بعد پوشیده‌اند، به همراه نزدیک به ۳۰۰ قطعه‌ی دیگر به معرض فروش گذاشته می‌شود.

این لباس‌ها را نیل آرمسترانگ و کولینز و باز آلاردین پوشیده بودند و پیش‌بینی می‌شود که قیمت آنها به ۶۰ هزار دلار برسد.

